

سوی دیگر، کودکانی که با این برچسب در مدرسه تحصیل می‌کنند، در مهارت‌های تحصیلی اعتمادبه‌نفس کمی دارند و برای یادگیری کمتر تلاش می‌کنند. اگرچه علائم این کودکان و مبتلایان به بیش‌فعالی و اختلالات یادگیری مشابه است، همه این کودکان مشکلات یادگیری یا دقت و تمرکز ندارند. از دیدگاه شناختی، منشأ انگیزه انسان افکار، ایده‌ها و نقشه‌های اوست (سیف، ۱۳۸۸). کودکان نیز مانند بزرگسالان نیاز دارند که علت انجام دادن کارها را بدانند و برای رسیدن به اهدافشان طرحی بریزند. آن‌ها می‌خواهند بدانند که برای چه باید تحصیل کنند و چرا باید ۳۲ حرف و بسیاری علامت و نشانه را بیاموزند. بسیاری از والدین و مربیان برای توجیه این کودکان، انواع روش‌های تشویقی و تنبیهی را امتحان می‌کنند و در نهایت، مستأصل می‌شوند.

### یادگیری اثربخش با فعالیت‌های روزمره

بهتر است پیش از آنکه آموزش را شروع کنیم، یک قدم به عقب برگردیم و کنجکاوای کودک را برانگیزیم تا با خود فکر کند که چرا انسان‌های اولیه احساس می‌کردند که نیاز دارند با خلق علائم به یکدیگر پیام دهند. بهتر است معلمان لزوم ارتباطات غیرکلامی را از طریق فعالیت‌های عملی به کودکان بیاموزند. معلمان می‌توانند از آن‌ها بخواهند که علائم ساده‌ای را به‌وجود آورند و درباره آن‌ها به دوستانشان توضیح دهند و سعی کنند علائمی را که دوستانشان نوشته‌اند، تفسیر کنند. برای مثال، می‌توان از کودکان خواست که نقشه یک گنج را تهیه کنند؛ آن را به دوستانشان بدهند تا با معنا کردن نشانه‌ها، مکان گنج پنهان شده را پیدا کنند. در این نقشه‌ها کودکان برای وسایل مختلف نمادهایی خلق می‌کنند؛ مثلاً در را با یک مستطیل نشان می‌دهند و برای کشیدن پله‌ها از چند خط موازی استفاده می‌کنند. بدین ترتیب، آن‌ها می‌آموزند که نشانه‌ها معنا و مفهوم دارند و به‌اصطلاح با نظام نشانه‌گذاری آشنا می‌شوند (شعبان، ۱۳۹۸). هرچه کودکان با این نشانه‌ها بیشتر دست‌وپنجه نرم کنند، علاقه آن‌ها به یادگیری مفهوم علامت‌ها بیشتر می‌شود. از دیدگاه سازنده‌گرایی، اگر مطالب آموزشی با زندگی روزمره کودکان در ارتباط باشد، آن‌ها انگیزه بیشتری برای یادگیری دارند (سیف، ۱۳۸۸) و بدین ترتیب، به یادگیرندگان خودکاری تبدیل می‌شوند که از هر لحظه برای یادگیری بیشتر استفاده می‌کنند.

در پایان، برای آموزش نشانه‌گذاری به کودکان پیشنهادهایی داده می‌شود. در این نمونه‌ها سعی شده است از فعالیت‌های مرتبط با امور روزمره کودکان استفاده شود.

۱. از کودکان بخواهید به کمک ابزارها، علامت‌هایی را خلق کنند. برای مثال، می‌توانند با وردنه، قالب شیرینی، چنگال، رنده، چرخ ماشین اسباب‌بازی و ... علامت‌هایی روی خمیر یا آرد بکشند (بروس، ۲۰۰۹).

## با کودکان بی‌انگیزه چه کنیم؟!

### مقدمه

حتماً شما هم با کودکانی مواجه شده‌اید که علاقه‌ای به یادگیری ندارند. زمانی که مربی از این کودکان می‌خواهد که پشت میز بنشینند، شروع به دویدن دور اتاق می‌کنند. آن‌ها برای فرار از یادگیری مدام بهانه می‌آورند که گرسنه‌اند یا باید به دستشویی بروند و یا حتی حالشان خوب نیست! در نهایت، وقتی مربی با هزار ترفند آن‌ها را سر جایشان می‌نشاند، بسیار بی‌حوصله هستند و تلاش می‌کنند حواس دیگران را نیز پرت کنند. به‌راستی با این کودکان چه باید کرد؟ علت مشکل آن‌ها چیست؟

**کلیدواژه‌ها:** انگیزه یادگیری، اختلال یادگیری، بیش‌فعالی، نظام نشانه‌گذاری

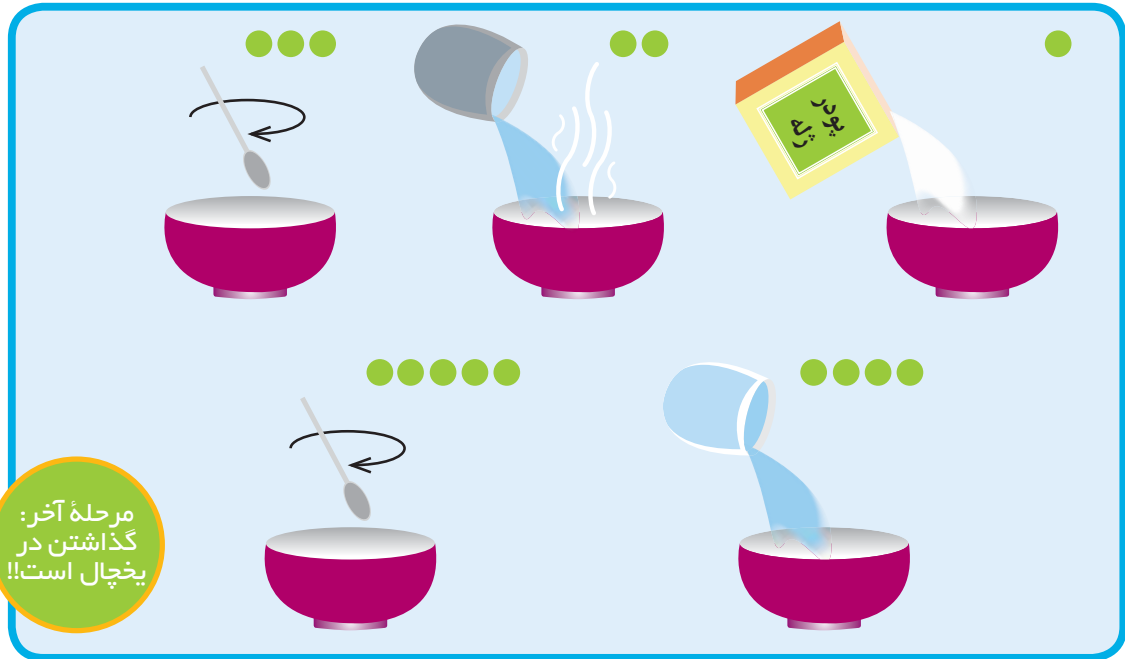
بسیاری از مربیان پیش‌دبستانی گمان می‌کنند که به مرور زمان و با بالا رفتن سن این کودکان، مشکلشان به‌خودی‌خود حل می‌شود اما سال‌ها بعد (زمانی که کودک به مقدار قابل‌توجهی از کودکان هم‌سنش عقب افتاد) معلمان آن‌ها را با برچسب بیش‌فعالی یا اختلال یادگیری، برای درمان به مراکز مشاوره ارجاع می‌دهند. حجم بالای ارجاع کودکان به مراکز مشاوره، کار درمان را برای درمانگران کودک دشوار کرده است. این در حالی است که کودکان بیش‌فعال تنها ۳ تا ۵ درصد کودکان مدرسه‌ای را تشکیل می‌دهند (جی‌مش، ۱۳۸۹). همچنین، آمار مبتلایان به اختلال یادگیری به معنای خاص تنها ۴ تا ۱۲ درصد است (تبریزی، ۱۳۹۶)؛ یعنی در هر کلاس ۲۰ تا ۲۵ نفری، یک و شاید دو نفر به این مشکل دچارند (هالاها، ۱۳۹۰). از

بهتر است  
پیش از آنکه  
آموزش را  
شروع کنیم،  
یک قدم  
به عقب  
برگردیم و  
کنجکاوای  
کودک را  
برانگیزیم

## وسایل مورد نیاز



## مراحل کار



مرحله آخر:  
گذشتن در  
یخچال است!!

## نتیجه‌گیری

کودکان فاقد انگیزه یادگیری، دقت و تمرکز ندارند. دلیل اینکه بسیاری از این کودکان نمی‌خواهند این آموزش‌ها را دریافت کنند این است که در فرآیند آن منفعل‌اند و میان مطالب آموزشی و زندگی روزمره خود ارتباطی نمی‌بینند. تجربه بسته‌باکودکان نشان داده است که بسیاری از آن‌ها با مشارکت داده شدن در فرآیند آموزش به یادگیری علاقه پیدا می‌کنند. برای نمونه بسیاری از کودکان منفعل با مشارکت در یادگرفتن نظام نشانه‌گذاری به یادگیری علاقه پیدا می‌کنند و خود به یادگیرندگانی فعال تبدیل می‌شوند.

### منابع

1. تبریزی، مصطفی؛ تبریزی، علیرضا؛ نرگس، تبریزی. (۱۳۹۶). درمان اختلالات دیگنه‌نویسی. چاپ ۳۸. انتشارات فراروان.
  2. جی‌مش، اریک؛ ای وولف، دیوید. (۱۳۸۹). روان‌شناسی مرضی کودک. مترجمان: محمد مظفری مکی‌آبادی، اصغر فروغ‌الدین عدل. انتشارات رشد.
  3. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). روان‌شناسی پرورشی نوین. ویرایش ششم. انتشارات دوران.
  4. شعیان، زهر. (۱۳۹۷). مدیریت مهدکودک، راهنمای عملی مدیران و مربیان مهدکودک برای رشد همه‌جانبه کودکان. تهران: انتشارات دیباگران.
5. Bruce CBE, Tina, (2009), Core experiences For In Early Years Foundation Stage, London, Kate Greenway nursery school.

دلیل اینکه  
کودکان  
انگیزه  
یادگیری  
ندارند این  
است که  
منفعل‌اند

۲. از کودکان بخواهید یک خاطره شیرین خود (مثلاً یک سفر) را روی کاغذ بکشند. برای کشیدن این اثر، استفاده از خطوط مختلف را به آن‌ها آموزش دهید؛ مثلاً خطوط موج برای نشان دادن رودخانه، خطوط مورب برای خانه جنگلی و ... (همان).

۳. با استفاده از عکس‌های کودک، یک کتابچه خاطرات از نوزادی او تاکنون بسازید. از او بخواهید وقایع مهم زندگی‌اش مانند جشن تولدها و به دنیا آمدن خواهر یا برادر جدید را به کمک نمادها در این کتابچه ترسیم کند.

۴. اکثر کودکان به آشنایی علاقه‌مندند. دستورالعمل‌های آشنایی را که به کمک نمادها کشیده شده‌اند، به کودکان بدهید و از آن‌ها بخواهید معنایشان را حدس بزنند؛ مثلاً همان‌طور که در شکل بالا نشان داده شده است، می‌توانید دستورالعمل درست کردن ژله را به کمک نمادها برای کودکان بنویسید و از آن‌ها بخواهید با توجه به دستورالعمل، از ابزارهایی که در اختیارشان قرار داده‌اید، استفاده کنند. توجه داشته باشید اشیایی که در اختیار کودک قرار می‌گیرند، دقیقاً با دستورالعمل منطبق باشند. برای مثال، اگر در دستورالعمل آب سرد با لیوان دسته‌دار نشان داده شده است، در واقعیت نیز چنین باشد.